



نویسنده: میخایل تی. کلر (Michael T. Klare).

منبع و تاریخ نشر: پرنسیپل ستیت گرفت «2023-05-22».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» . [88]

خدا حافظ قرن آمریکایی، به «جی-3» خوش آمدید

**Goodbye to the American century
welcome to the (G3)**

اکنون روشن است که بدون نقش چین و هند، هیچ تصمیمی برای جنگ اوکراین وجود نخواهد داشت در اینجا دلیل است



نارندرا مودی، نخست وزیر هند و شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، در نشست سران بریکس در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی، [27 ژوئیه 2018] شرکت می کنند. رویترز/مایک هاچینگز

چندی پیش، تحلیلگران سیاسی از "G-2" صحبت می کردند - یعنی از یک اتحاد کاری بالقوه بین ایالات متحده و چین با هدف مدیریت مشکلات جهانی برای منافع متقابل آنها.

چنین شرکای دو نفره که به طور بالقوه حتی قدرتمند تر از گروه G-7 از اقتصادهای پیشرو غربی دیده می شوند. همانطور که **سی. فرد برگستن**، معاون سابق وزیر خزانه داری ایالات متحده، که در ابتدا چنین مشارکتی را تصور می کرد، در سال 2008 نوشت: "ایده اساسی ایجاد یک G-2 بین ایالات متحده و چین برای هدایت روند حکمرانی جهانی است."

این تصور مبنایی برای ارتباط اولیه دولت **اوبا ما** با **چین** خواهد بود، هر چند که با ادامه افزایش تنش ها با **پکن** بر سر **تایوان** و سایر مسائل، جذابیت خود را در واشنگتن از دست می دهد. با این حال، اگر جنگ در اوکراین چیزی به ما بیاموزد، باید این باشد که، هر چه می خواهند رهبران آمریکا، چاره‌ای (غیر از جنگ) ندارند جز اینکه مسئولیت‌های حکومت‌داری جهانی را با **چین** به اشتراک بگذارند و در چرخشی جدید در ژئوپلیتیک، با **هند** نیز به هر حال، آن کشور در حال رشد مجهز به سلاح هسته‌ای اکنون پرجمعیت ترین کشور روی کره زمین است و به زودی سومین اقتصاد بزرگ را نیز در اختیار خواهد داشت. به عبارت دیگر، اگر قرار باشد از فاجعه جهانی جلوگیری شود، چه آمریکایی‌ها بخواهند و چه نخواهند، این کشور چاره‌ای جز شروع برنامه ریزی برای **G-3** در حال ظهور خواهد داشت.

دو سوال بلافاصله به ذهن خطور می کند: چرا G-3، و چرا ظهور آن احتمالاً نتیجه اجتناب ناپذیر جنگ در اوکراین است؟ با شروع با دومین سوال حیاتی، G-3 دقیقاً در آینده ما نهفته است زیرا نه ایالات متحده و نه روسیه توانایی دستیابی به آنچه را که رهبران آن ممکن است نتیجه رضایت بخشی برای آن جنگ در نظر بگیرند را ثابت نکرده اند. از طرف مسکو، امکان محو کردن اوکراین به عنوان یک کشور فعال، شکست قابل توجهی را نشان داده است. از نظر واشنگتن، شکست کامل روسیه و مرگ ولادیمیر پوتین بسیار بعید به نظر می رسد.

در میان فاجعه به ظاهر پایان ناپذیر جنگ در اوکراین، به طور فزاینده ای آشکار شده است که **چین** و **هند** احتمالاً راه حل نهایی آن را شکل می دهند. روسیه به دلیل امتناع آنها از تبعیت از تحریم های شدید غرب، ادامه تجارت با مسکو و خرید گسترده ذخایر سوخت فسیلی روسیه، نمی تواند بدون حمایت این دو کشور به جنگ ادامه دهد. علاوه بر این، هیچ یک از این کشورها نمی خواهند جنگ با توجه به آسیبی که به چشم انداز رشد جهانی وارد می کند، تشدید یا طولانی تر شود. مخصوصاً برای **چینی‌ها** باعث ایجاد اصطکاک با شرکای تجاری مهم در اروپا شده است که از ادامه روابط پکن با مسکو ناراضی هستند. بنابراین، به دلایل خاص خود، رهبران این دو کشور احتمالاً فشار فزاینده‌ای را بر مسکو و کیف اعمال می کنند تا به دنبال یک نتیجه از مذاکره باشند که، ناگفته نماند، هیچ یک از طرفین را راضی نخواهد کرد.

در عین حال، در حالی که جنگ در اوکراین ضعف حیرت‌انگیز ارتش سابق روسیه را آشکار کرده است، محدودیت های قدرت آمریکا را نیز به طرز چشمگیری آشکار کرده

است. از این گذشته، هنگامی که جنگ در فوریه 2022 آغاز شد، **جو بایدن**، رئیس جمهور آمریکا مطمئن بود که بیشتر کشورهای جهان به ایالات متحده و اروپا در انزوای مسکو می پیوندند، از جمله، توقف خرید منابع انرژی روسیه و اعمال تحریم های شدید علیه آن کشور. برای او، این هنوز قرن آمریکایی بود. او در آن زمان اعلام کرد: «ایالات متحده به تنهایی این کار را انجام نمی دهد. ماه هاست که ما در حال ایجاد ائتلافی از شرکای خود بوده ایم که بیش از نیمی از اقتصاد جهانی را نمایندگی می کنند... ما توانایی روسیه برای انجام تجارت با دلار، یورو، پوند و بین را محدود خواهیم کرد تا بخشی از اقتصاد جهانی باشد.»

همانطور که اتفاق می افتد، به نظر می رسد که ما وارد دوران جدیدی شده ایم که هنوز تعریف نشده است که مشخصه آن کاهش نفوذ جهانی ایالات متحده است. به هر حال، علیرغم تلاش های قاطع واشنگتن و متحدانش در **ناتو** برای محدود کردن دسترسی روسیه به اقتصاد جهانی، مسکو تا حد زیادی موفق شده است خود را حفظ کند، حتی در حالی که فاجعه نظامی گران تر خود در اوکراین را تامین مالی می کند. از این بابت به طور قابل توجهی به چین و هند که به خرید مقادیر عظیم نفت و گاز طبیعی روسیه (حتی با قیمت های بسیار کاهش یافته) ادامه داده اند، می پردازیم.

به طور قابل توجهی، واشنگتن تا حد زیادی نتوانسته است اکثر کشورهای جنوب جهانی، از جمله قدرت های کلیدی در حال ظهور مانند برزیل، هند و آفریقای جنوبی را متقاعد کند که دیدگاه پرزیدنت **بایدن** در مورد جنگ اوکراین را به عنوان یک مبارزه «وجودی» بین کشورهای لیبرال دموکراتیک و غیر لیبرال ها بپذیرند. خودکامه ها همانطور که او در یک سخنرانی که یک سال پیش در ورشو ایراد کرد، گفت: «ما در نبرد بزرگ برای آزادی، نبردی بین دموکراسی و خودکامگی، بین آزادی و سرکوب، بین نظم مبتنی بر قوانین و نظمی که توسط آن اداره می شود، دوباره ظاهر شده ایم. زور وحشیانه.»

روسیه قیمت مواد غذایی و کود را در کشورهای خود افزایش داده و به میلیون ها شهروند خود آسیب رسانده است.

اس. جایشانکار، وزیر امور خارجه هند، معمولاً به **راجر کوهن** از نیویورک تایمز می گوید: «من هنوز دوست دارم دنیایی مبتنی بر قوانین بیشتر ببینم. اما وقتی مردم به نام دستوری مبتنی بر قواعد شروع به فشار بر شما می کنند تا تسلیم شوید، در مورد منافع بسیار عمیق مصالحه کنید، در آن مرحله می ترسم مهم باشد که با آن مخالفت کنید و در صورت لزوم آن را فراخوانی کنید.»

به اندازه ای که واشنگتن به چین دیدگاه هایی توجه نکرده است، روی یک چیز حساب کنید: پس از اوکراین، ما خود را در یک نظم جهانی جدید خواهیم دید. پس از حمله بهار/تابستان مورد انتظار اوکراین که بعید به نظر می رسد تمام نیروهای روسیه را از سرزمین هایی که از فوریه گذشته تصرف کرده اند بیرون کند، هند و چین تقریباً مطمئناً هر دو کشور را به سمت یک توافق صلح با هدف بازگرداندن جریان جهانی سوق خواهند داد. تجارت نسبت به رعایت اصول اساسی از هر نوع.

در واقع، طرح صلح **چین** برای جنگ، اگرچه توسط اکثر تحلیلگران غربی نادیده گرفته شده یا مورد تحقیر قرار گرفته است، ممکن است با درخواست مبهم آن برای احترام به حاکمیت همه کشورها و تاکید آن بر حذف تحریم ها و بازگرداندن، موثرترین طرح برای یک راه حل را ثابت کند. خطوط عرضه جهانی و آزاد کردن تجارت غلات روسیه و اوکراین در واقع، هر چند با اکراه، حتی **آنتونی بلینکن**، وزیر امور خارجه، پذیرفته است که ممکن است الگویی برای حل و فصل آینده باشد.

چرا G-3؟

در حالی که نتیجه جنگ اوکراین هنوز در هاله ای از ابهام است، روی یک چیز حساب کنید: ظهور چین و هند به عنوان بازیگران اصلی در حل آن به تعریف نظم جهانی آینده کمک خواهد کرد - نظامی که در آن ایالات متحده باید مسئولیت های حکومتی جهانی را به اشتراک بگذارد. با چین و هند، دو گره قدرت بزرگ دیگر جهان. اروپا به دلیل اختلافات داخلی و وابستگی به قدرت نظامی ایالات متحده صلاحیت ایفای چنین نقشی را ندارد. روسیه به دلیل کاهش قدرت نظامی و اقتصادی آن نیست. با این حال، **کشورهای G-3** دارای برخی ویژگی های اساسی هستند که آنها را از سایر قدرت ها متمایز می کند و احتمالاً در آینده برجسته تر خواهند شد.

بیا بیاید با جمعیت شروع کنیم. در سال «2022»، چین، هند و ایالات متحده بزرگترین، دومین و سومین جمعیت جهان را داشتند که به طور مشترک حدود 3.2 میلیارد نفر را تقریباً 40٪ از کل مردم روی کره زمین را تشکیل می دادند. در حالی که انتظار می رود **هند** در سال جاری از **چین** به عنوان پرجمعیت ترین کشور جهان پیشی بگیرد، این سه کشور همچنان احتمالاً در سال 2050 در صدر انبوه جمعیت باقی می مانند و تا آن زمان حدود 3.4 میلیارد نفر را میزبانی می کنند. البته، هیچ کس نمی داند که قحطی های بزرگ، بیماری های همه گیر یا بلایای آب و هوایی چگونه ممکن است بر این تعداد تأثیر بگذارد، اما این جمعیت ها در تولید، مصرف، و حتی، در صورت لزوم، جنگ، مزایای بسیاری را به همراه دارند.

بعد، نفوذ اقتصادی را در نظر بگیرید. ایالات متحده و چین مدت‌هاست که اقتصادهای شماره یک و دو جهان را در اختیار دارند و هند در جایگاه ششم قرار دارد و در حال رشد است، البته اگر هنوز پشت سر ژاپن، آلمان و بریتانیا باشد. با این حال، انتظار می‌رود که این کشور امسال از بریتانیا پیشی بگیرد و در برخی پیش‌بینی‌ها تا سال 2030 به رتبه سوم برسد. سپس G-3 با هم سهم بیشتری از فعالیت‌های اقتصادی جهانی را نسبت به مجموع 20 کشور بعدی به خود اختصاص خواهد داد. تمام اقتصادهای اروپایی و ژاپن در نظر بگیرید که شکلی از قدرت را که هیچ‌کس نمی‌تواند نادیده بگیرد.

بطور گسترده تصور می‌شود که ایالات متحده و چین دارای دو بزرگترین و قدرتمندترین ارتش جهان هستند و روسیه همچنان مدعی جایگاه سوم است، اگرچه ارتش این کشور به دلیل جنگ در اوکراین به شدت کاهش یافته است و به احتمال زیاد قدرت قبل از جنگ را برای خود به دست نمی‌آورد. سال، اگر هرگز ارتش هند در واقع بزرگ است، با حدود 1.4 میلیون مرد و زن یونیفورم (در مقایسه با دو میلیون چین، روسیه کمتر از یک میلیون و 1.4 میلیون آمریکایی)، اما به اندازه سه ارتش دیگر به سلاح‌های پیشرفته مجهز نیست. **هندها** میلیاردها دلار برای دستیابی به سیستم‌های جنگی پیشرفته از اروپا، روسیه و ایالات متحده هزینه می‌کنند. با افزایش سهم **دهلی‌نو** از ثروت جهانی، روی "مدرن‌سازی" نیروهای مسلح خود روی **دهلی‌نو** حساب کنید.

یک منطقه دیگر وجود دارد که در آن چین، هند و ایالات متحده از نظر تعداد در جهان پیش‌تاز هستند: در انتشار دی‌اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه‌ای که آب و هوا را تغییر می‌دهند. با توجه به اینکه هر سه کشور به سوخت‌های فسیلی برای سهم زیادی از مصرف انرژی خود متکی هستند، انتظار می‌رود چین، هند و ایالات متحده در دهه‌های آینده در صدر فهرست تولید کنندگان کربن پیش‌رو در جهان باشند. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، G-3 تا سال 2050 حدود 42 درصد از انتشار کربن جهانی را به خود اختصاص خواهند داد - بیش از مجموع آفریقا، اروپا، آمریکای لاتین و خاورمیانه.

G-3 در عمل

در مجموع همه این عوامل را جمع‌آوری کنید و بدیهی است که چین، هند و ایالات متحده احتمالاً بر هر نظم جهانی آینده تسلط خواهند داشت. متأسفانه، این بدان معنا نیست که آنها قصد همکاری دارند - دور از آن رقابت و درگیری بدون شک یکی از ویژگی‌های پایدار روابط آنها باقی می‌ماند، به طوری که پیوند بین هر دو از آن‌ها دائماً افزایش می‌یابد و از بین می‌رود. (به اتحادها و تضادهای دوار بین شرق آسیا، اوراسیا و اقیانوسیه در زمان پیشگویانه **دیستوپایی جورج اورول** در سال 1984 فکر کنید.) اما از

یک چیز می توانیم مطمئن باشیم: هیچ مشکل بزرگ جهانی، خواه تغییر آب و هوا، فاجعه اقتصادی، یا یک بیماری همه گیر مرگبار دیگر باشد. اگر این سه قدرت نتوانند شکلی از همکاری هر چند غیررسمی را بیا بند، یا جنگی به سبک اوکراین، حل خواهد شد.

حداقل یک لحظه قبلی همخوانی سه طرفه وجود داشت. در نوامبر 2014، در آستانه اجلاس آب و هوای پاریس در سال آینده، رئیس جمهور **باراک اوباما** با رئیس جمهور **شی جین پینگ** چین یک اتحاد کاری با هدف دستیابی به یک نتیجه موفقیت آمیز ایجاد کرد و سپس **نارندرا مودی**، نخست وزیر هند را در تلاش مشترک خود قرار داد. به گفته **بن رودز**، معاون مشاور امنیت ملی کاخ سفید، دیدارهای او با **شی و مودی** در آغاز اجلاس پاریس، به منظور ارسال پیامی قوی به جهان درباره تعهد قوی آنها به تغییرات آب و هوایی بود. بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که اگر رهبری مشترک **اوباما، شی و مودی** نبود، اجلاس سال 2015 هرگز موفق نمی شد.

نیازی به گفتن نیست که وقتی **دونالد ترامپ** وارد کاخ سفید شد و پایداری ایالات متحده به آن توافق را خاتمه داد، این شراکت نوپا از بین رفت. بسیار متأسفانه، در سال های بعد، همکاری و آشننگتن با **پکن** و **دهلی نو** در زمینه تغییرات آب و هوایی تا حد زیادی متوقف شد، در حالی که اختلافات آمریکا با چین بر سر تجارت، تایوان و دریای چین جنوبی بیشتر شد. امروز، رهبران دو اقتصاد برتر جهان به سختی صحبت می کنند و نیروهای مسلح آنها تقریباً در هر لحظه آماده یک درگیری خشونت آمیز هستند. آنها همچنین در مورد **اوکراین** در تضاد باقی می مانند و آشننگتن از **پکن** خواست که روابط اقتصادی خود را با روسیه قطع کند و چینی ها بر مشروعیت ائتلاف «آهنین» خود با مسکو پافشاری می کنند.

باز هم، بسیار متأسفانه، این تضادها بیشتر از آن فوران کوتاه همکاری در سال های 2014-2015، هنجار را در روابط ایالات متحده و چین ثابت می کنند. و در حالی که هند در سال های اخیر به ایالات متحده نزدیک تر شده است - تا حد زیادی برای متعادل کردن قدرت رو به رشد اقتصادی و نظامی چین - رهبران این کشور از وابستگی بیش از حد به هر قدرت خارجی بیزارند، هر چند از نظریه های همسو باشند. بنابراین، پیش بینی ادامه روابط شکننده و اغلب پرتنش میان کشورهای G-3 است.

با این وجود، این سه کشور در مورد مشکلات عمده جهانی که همه آنها با آن مواجه هستند، چاره ای جز برخورد با یکدیگر به نوعی ندارند. تغییرات اقلیمی مطمئناً یکی از مبرم ترین تغییرات است: اگر انتشار کربن جهانی مطابق با پیش بینی های فعلی آژانس بین المللی انرژی به افزایش خود ادامه دهد، دمای جهان می تواند به بیش از 2.0 درجه سانتیگراد (3.6 درجه فارنهایت) بالاتر از دوران پیش از صنعتی شدن، یعنی سقف هدف تعیین شده، افزایش یابد. توسط توافقنامه آب و هوای پاریس این به نوبه خود، یک واقعیت

فاجعه بار جدید را برای هر سه کشور (و همچنین بقیه جهان) تضمین می‌کند، از جمله طغیان شدید ساحلی، بیابان‌زایی گسترده، و کمبود شدید آب. هیچ‌یک از آنها به تنهایی نمی‌توانند از چنین نتیجه‌ای جلوگیری کنند. تنها با کار هماهنگ برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی، آنها می‌توانند از فاجعه آب و هوایی برای خود و کره زمین جلوگیری کنند.

همین امر در مورد هر چالش بزرگ جهانی دیگر، از جمله بحران‌های شدید اقتصادی آینده، شیوع بیماری‌های همه‌گیر، درگیری‌های بزرگ منطقه‌ای و گسترش بیشتر سلاح‌های هسته‌ای صادق است. رهبران چین، هند و ایالات متحده هرچقدر هم در همکاری با هم‌تایان خود ناراحت باشند، اما اگر بخواهند از آینده‌ای فزاینده فزاینده فرار کنند، انتخاب چندانی نخواهند داشت. چه بخواهیم چه نخواهیم، آنها باید نوعی از همکاری **G-3** را بپذیرند، هر چند در ابتدا کمی تصدیق‌شود یا گذشت زمان، زمانی که به وابستگی متقابل خود پی می‌برند، حتی ممکن است خود را در حال همکاری رسمی‌تر و دوستانه‌تر - به نفع همه ساکنان سیاره زمین بیابند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

مایکل کالر، استاد پنج کالج مطالعات صلح و امنیت جهانی و مدیر برنامه پنج کالج در مطالعات صلح و امنیت جهانی است. او قبل از تصدی پست فعلی خود به عنوان مدیر برنامه نظامی‌گری و خلع سلاح در موسسه مطالعات سیاست در واشنگتن دی سی خدمت می‌کرد.



مایکل کالر،

----- **با تقدیم احترامات «23-05-2023»**